

City and Urbanism in Political Geography

ARTICLE INFO

Article Type

Anatol Review

Authors

Kamran Dastjerdi H.*¹ PhD

How to cite this article

Kamran Dastjerdi H. City and Urbanism in Political Geography. Geographical Researches. 2021;36(3):323-331.

¹Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.
Postal code: 1417853933
Phone: +98 (21) 66477488
Fax: +98 (21) 66404366
Hkamran@ut.ac.ir

Article History

Received: January 03, 2021
Accepted: February 20, 2021
ePublished: September 21, 2021

ABSTRACT

Introduction Urban politics is one of the fields of study that has attracted the attention of political geographers since the '60s and since the mid-90s, the emergence of specialized approaches such as urban political geography and urban geopolitics has entered the field of political geography and geographers. They have provided expert opinions and views in this field. Siri in the thought of famous philosophers shows the early attention of the city to politics. They studied the city as a political society, where human potential nature could be actualized and perfected. Therefore, the study of the city in time periods has been more focused on politics and political planning; because the city was considered the place and bed of human growth. In this review study, the political, economic and cultural issues of the city and urbanism in political geography at the micro level were studied.

Conclusion The study of the relationship between politics and urban space is very important in the development of political geography and the study of political geographers. From the point of view of political geographers, the city and the citizen as the main actors are changing the scope of power and sovereignty of countries in the world. In fact, developed countries are the hosts of global cities. Today, the most key decisions are made in the political, economic, and cultural dimensions on an urban scale; that is, where power is concentrated and ultimately finds its way into the changing structures of world economics and politics.

Keywords City; Political Geographers; Space; Politics; Power

CITATION LINKS

[Agnew J; 2002] Making political ...; [Ahmadipour Z, et al; 2012] Explaining the position of urban development ...; [Badiie Azandeh M, Hosseini N; 2020] A systemic approach to the city, as a political ...; [Bellu LG, et al; 2011] Assessing regional competitiveness: Analysis ...; [Cohen SB; 2003] Geopolitics of the world ...; [Cox KR; 1984] Neighborhood conflict and urban social ...; [Cox KR, Nartowicz FZ; 1980] Jurisdictional fragmentation in the American metropolis ...; [Darskhan R, Jafari Paybandi SMH; 2018] Analysis of the effects of Islamic political economy ...; [Dalby S; 2008] Imperialism, domination, culture: The continued ...; [Flint C; 2017] Introduction to geopolitics ...; [Hall P; 1995] Toward a general urban ...; [Harvey D, Potter S; 2013] The right to be in a justice-driven city ...; [Hosseini N; 2018] Explanation of city's phenomenon in geopolitics ...; [Kamran Dastjerdi H, et al; 2018] Study of the city in geopolitics and political ...; [Kazemi AA; 2001] Globalization of Culture and Politics ...; [Khalilabadi H; 2011] Urban geopolitics ...; [Kony L, Yeho B; 2003] The politics of Landscape in ...; [Malinofski B; 2000] Scientific theory of ...; [Marchetti R; 2017] City Diplomacy, how do you analyze ...; [Mohammadi M, et al; 2019] Assessing the impact of competitiveness on urban ...; [Moghimi SM; 2015] Local government administration: The councils ...; [Mirhaydar D, Mirahmadi F; 2018] Evolution of ideas in political ...; [Parhiezgar A, Ismaelzadeh H; 2005] A systemic approach to geography ...; [Purcell M; 2003] Citizenship and the right to the global city ...; [Sadeghi M, et al; 2020] Explaining the role of capitalist economics ...; [Sassen S; 2001] Global cities and developmentalist states ...; [Sassen S; 2006] Cities in a world economy ...; [Sassen S; 2007] A sociology of globalization ...; [Soja EW; 1974] A paradigm for the geographical analysis ...; [Short JR; 2017] Metropolitan World ...; [Taylor PJ; 1982] A Materialist framework for political ...; [Taylor PJ; 2008] The geography of uneven ...; [Veich H; 2015] Concepts and theories of political ...; [Vasegh M, et al; 2016] Political geography as an experimental ...; [Zaki Y, Valigholizadeh A; 2015] Space scales in political ...

حسن کامران دستجردی* PhD

گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: سیاست‌های شهری، از جمله حوزه‌های مطالعاتی است که از دهه ۱۹۶۰، توجه جغرافیدانان سیاسی را به خود جلب کرده و از اواسط دهه ۱۹۹۰، ظهور رویکردهای تخصصی مانند جغرافیای سیاسی شهری و ژئوپلیتیک شهری وارد حوزه جغرافیای سیاسی شده و جغرافیدانان به ارایه نظریات و دیدگاه‌های تخصصی در این زمینه مشغول شده‌اند. سیری در اندیشه فیلسوفان معروف، نشان‌دهنده توجه متقدمان به شهر و سیاست است. آنها شهر را به مثابه یک جامعه سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دادند که در آنجا طبیعت بالقوه آدمی می‌تواند فعلیت یابد و از کمال برخوردار شود. بنابراین، مطالعه شهر در دوره‌های زمانی بیشتر بر محور سیاست و برنامه‌ریزی‌های سیاسی بوده است؛ چون شهر، مکان و بستر رشد انسان در نظر گرفته می‌شده است. در این مطالعه مروری، به بررسی مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شهر و شهرگرایی در جغرافیای سیاسی در سطح خرد، پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: مطالعه روابط متقابل سیاست و فضای شهر، در توسعه جغرافیای سیاسی و گسترش مطالعات جغرافیدانان سیاسی حائز اهمیت بسیاری است. از نظر جغرافیدانان سیاسی، شهر و شهروند به مثابه بازیگران اصلی تغییر دامنه قدرت و قلمرو حکمرانی کشورها در جهان هستند. در واقع، کشورهای توسعه‌یافته همان میزبانان شهرهای جهانی هستند. امروزه کلیدی‌ترین تصمیمات در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مقیاس شهری، گرفته می‌شود؛ یعنی جایی که قدرت متمرکز دارد و در نهایت به ساختارهای متغیر در اقتصاد و سیاست جهانی راه می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: شهر، جغرافیدانان سیاسی، فضا، سیاست، قدرت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

نویسنده مسئول: Hkamran@ut.ac.ir

مقدمه

مطالعه تاریخ اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عملکرد دولت‌ها و فرمانروایان بزرگ از گذشته تاکنون نشان می‌دهد که از دیرباز به آثار جغرافیا و سیاست بر یکدیگر توجه شده و موضوعات جغرافیای سیاسی، برای بسیاری از اندیشمندان شناخته شده بوده است. از این رو، بدیهی است که نظریه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، محصول مطالعات و اندیشه‌هایی هستند که تحت عوامل گوناگونی در یک فرآیند تاریخی، به‌وسیله اندیشمندان ابراز شده‌اند و بعدها مورد دگرگونی و تحول قرار گرفته‌اند [Kamran et al., 2018]

از نظر جغرافیدانان سیاسی، اکثر متون جغرافیای سیاسی ارتباط ضعیفی با بقیه جغرافیای انسانی دارد. آنها از متون معمولی جغرافیای سیاسی به‌دلیل دربرداشتن مفاهیمی که در همه مقیاس‌ها موثق باشند و بی‌توجهی به مقیاس شهری، انتقاد می‌کنند [Mirhaydar & Mirahmadi, 2018]. بنابراین، طیف جدید متخصصان جغرافیای سیاسی مسائلی مانند رابطه میان گروه‌های

قدرت و دستگاه سیاست‌گذار در سطوح مختلف حکومتی و افرادی که این دستگاه را به حرکت در می‌آورند، چگونگی تعامل عوامل مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری، چگونگی به‌وجود آمدن ائتلاف‌ها و همبستگی‌ها توسط این عوامل و چگونگی معامله، تعهد نسبت به هم و تهدید یکدیگر را تحلیل می‌کنند. در واقع، تقسیم‌بندی بین‌المللی جدید نیروی کار به سلسله مراتب مکانی منجر شده است که در رأس آن شهرهای جهانی قرار دارد [Veicy, 2015].

به نظر می‌رسد که جغرافیدانان سیاسی برای رسیدن به نتایج مفید در تحقیقات خود، پیرامون روابط سیاست و جغرافیا نمی‌توانند در سطوح کلان (ملی و فراملی) بیش از پیش متمرکز باشند. بنابراین، باید از طرف مکانی کوچک‌تر به ارایه نظریه پرداخته شود و به اهمیت شهر؛ به‌عنوان مهم‌ترین سطح فضایی و اهمیت شهروندان به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران مشارکت‌کننده در تغییر عناصر اصلی قدرت ملی و نقش مدیران شهر به‌عنوان برنامه‌ریزان اصلی سازماندهی سیاسی فضا در چهارچوب جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک اندیشه شده شود. تحقیق حاضر به بررسی مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح خرد (که در جهان امروز بر سطوح فضایی شهری غلبه دارد)، پرداخت. برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش شد به بررسی نظریه‌های ارایه‌شده توسط جغرافیدانان سیاسی پیرامون شهر پرداخته شود. بنابراین، با به‌کارگیری متغیرهای اصلی مانند پدیده شهر، فضا و سیاست سعی بر آن بود که نتیجه‌ای قابل تعمیم، یافت شود.

سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی

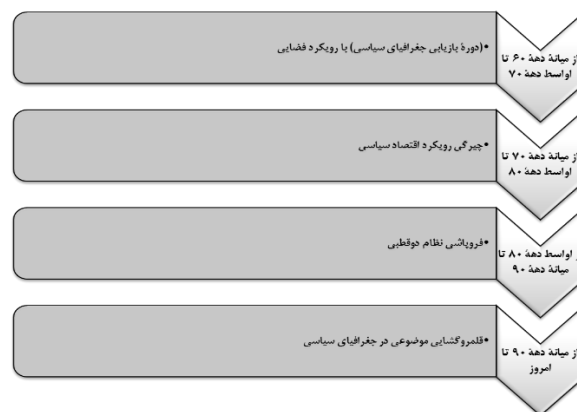
بررسی در تاریخ اندیشه‌های فلسفی، عقاید سیاسی، مذهبی و عملکرد دولت‌ها و فرمانروایان بزرگ از گذشته تاکنون نشان می‌دهد که آثار جغرافیا و سیاست بر یکدیگر، از دیرباز مورد توجه‌اند و مضامین و موضوعات جغرافیای سیاسی، برای بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران اموری شناخته شده بوده‌اند؛ به‌طوری که در لابه‌لای متون فلسفی، سیاسی، مذهبی، حقوقی، کلامی، فقهی، تاریخی و جغرافیایی به‌جامانده از گذشته، مسائل و مقوله‌هایی نظیر دولت، سرزمین، موقعیت جغرافیایی، شکل و اندازه، جمعیت و سرزمین، مرزهای سیاسی، امنیت، تابعیت، هویت ملی، حقوق شهروندی، تقسیمات کشوری، آمایش و سازمان‌دهی و بالاخره مدیریت سیاسی فضا و اموری از این دست، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرح و بررسی شده‌اند (شکل ۱). بررسی تاریخی و جامعه‌شناختی زمینه‌های پیدایش و سیر تحول اندیشه‌ها و نظریه‌ها در هر حوزه علمی از این حیث دارای اهمیت است که علاوه بر ایجاد آشنایی با شرایط و اوضاع و احوال جوامع و سرزمین‌های گذشته، علل و نحوه بروز دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی و همچنین عوامل مؤثر بر پیدایش آنها را روشن می‌سازد. مطالعه در تاریخ اندیشه‌های جغرافیای سیاسی نشان می‌دهد که نظریه‌های کنونی این رشته در طول تاریخ، تحولات و فراز و نشیب‌های گوناگونی را پشت سر

تاریخی هستند. فرض اصلی ساختارگرایی در مفهوم‌یابی جغرافیای سیاسی شهر، این است که در پس هر نماد موجود در فضای شهری، روابط سیستماتیک از تفکرات و ایدئولوژی‌هایی می‌توان یافت که رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و اثر آن در ظهور مسائل شهری نمود می‌یابد. بدیهی است که وقتی این ساختار کشف شود، همه اجزاء را می‌توان به‌عنوان محصول آن ساختار تبیین نمود [Hosseini, 2018].

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان شهر را سیستمی سیاسی تلقی کرد و آن را مشتمل بر مجموعه‌ای از اجزاء دانست که در کنش تقابلی و تعامل دوجانبه با یکدیگر عمل کرده و در شبکه ساختاری و عملکردی، باعث پویایی و تداوم زنجیره توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی می‌شوند. اجزای اصلی سیستم شهری عبارت‌اند از: ۱- مسکن، ۲- بازار، ۳- بخش خدمات، ۴- بازار زمین و ۵- حمل‌ونقل. در حالی که متغیرهای سیستم شهری عبارتند از: ۱- جمعیت، ۲- موجودی مسکن، ۳- صنعت (اقتصاد پایه)، ۴- خدمات، ۵- کاربری زمین و ۶- جریان ترافیک [Parhiezgar & Ismaelzadeh, 2005].

در این راستا، نقش دولت در سیستم شهر دارای اهمیت است، زیرا دولت‌ها سیاست‌ها را تعیین می‌کنند و سرمایه‌گذاری‌ها را در مسیرهای تعیین‌شده به‌کار می‌گیرند [Badiee & Hosseini, 2020]. مارکسیست‌ها، همه تحولات سیاسی-اجتماعی شهر را از منظر اقتصاد می‌نگرند و معضلات درون آن را تابع کردارهای طبقات بالای اجتماعی می‌پندارند [Harvey & Potter, 2013]، در حالی که انتقادگرایان، فرهنگ را به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین تحولات اجتماعی مطرح می‌نمایند و بر این باور هستند که تبیین و تحلیل مسائل شهری بدون شناخت فرهنگ، ناممکن است؛ در واقع، انتقادگرایان، در تعریف جغرافیای سیاسی شهر، بیش از هر چیزی بر مبنای ایده هژمونی، به سلطه طبقات مسلط بر طبقات پایین و راضی‌نمودن این طبقه به قبول کاستی‌های موجود در فضای جغرافیایی از طریق کسب رضایت آنها در پذیرش ارزش‌های فرهنگی طبقه مسلط اعتقاد دارند. اثبات‌گرایان، شناخت فضای شهر را بر پایه تجربه، توجیه می‌کند و در این مکتب، فضا پدیده‌ای عینی، حسی، تجربی و کمی است. از نظر هاروی و پاتر، تحقیقات حوزه برنامه‌ریزی فضای شهر، با موضوعات و علوم کمی تلفیق می‌شود و تفسیرهای سیاسی-ایدئولوژیک نقش کمتری در پایش تغییرات فضایی پیدا می‌کنند [Harvey & Potter, 2013]. این مکتب، وسیله شناخت را حواس انسان می‌داند [Malinofski, 2000]. بدین لحاظ، پوزیتیویسم برای فهم شهر و رفع مسائل شهری به تجربه، مشاهده و آزمایش، اصالت می‌دهد و با روش استقرایی، در پژوهش علمی با استدلال‌های قابل تعمیم و قابل پیش‌بینی به قوانین علمی و کلی برای شهری‌شدن دست می‌یابد. از دیدگاه پسا‌ساختارگرایان یا پست‌مدرن‌ها، هیچ نظریه، مفهوم و اندیشه حقیقی روشن و مستقلی وجود ندارد. این مکتب بر کثرت، چندگانگی، جزئیت، پراکندگی، عدم انسجام و فردیت مفاهیم تاکید می‌ورزد [Dalby, 2008]. بنابراین، از نظر پیروان این مکتب، مفاهیم، نهادها و

گذشته و متاثر از عوامل مختلفی بوده است. این عوامل عبارت‌اند از: آرا و دیدگاه‌های فلسفی، دینی و ایدئولوژی‌های سیاسی، نظریه‌های علمی، کشف‌های جغرافیایی، انقلاب صنعتی و تحولات تکنولوژیکی، تحولات سیاسی و اجتماعی نظیر انقلاب‌ها و جنگ‌ها و نیز تحولات بین‌المللی، اقتصاد سیاسی، مناسبات بازرگانی و توسعه شبکه‌های مواصلاتی، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، رسانه‌های گروهی و فرآیند جهانی‌شدن [Vasegh & Hosseini, 2016].



شکل ۱) سیر تحول جغرافیای سیاسی

در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از جغرافیدانان سیاسی بر مقیاس‌های درون‌کشوری، از جمله شهر به‌عنوان فضایی سیاسی مرتبط با سلسله مراتب فضایی است. *ایزایا بومن* نقطه تمرکز جغرافیای سیاسی را تغییر داد و بر واحدهای درون‌کشوری (شهرها) نیز تاکید کرد [Agnew, 2002]. در واقع، فلسفه مطرح‌شدن «شهر» در مطالعات حوزه «جغرافیای سیاسی» ناشی از کنش متقابل «سیاست» و «فضا» در عرصه فضایی شهر است و این سازوکار را می‌توان در دو محور زیر بیان کرد:

۱- تأثیری که شهر بر سیاست‌های ملی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد.

۲- تأثیراتی که تصمیمات سیاسی سیاست‌گذاران مرتبط با شهرها، شامل نهادهای حکومتی و غیرحکومتی بر فضای شهر دارد [Kamran et al., 2018].

بنابراین، شهر واحدی اجتماعی و فضایی است که در آن سیاست و قدرت، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در واقع، شهر و مجموعه شهری، عرصه مکانی سیاست عمومی است. به‌طور کلی، جغرافیدانان سیاسی برای مطالعه شهر، به این امر توجه می‌کنند که شهر در نظام سیاسی خاص، چگونه اداره می‌شود [Flint, 2017]. همان‌طور که در هر رشته علمی صاحبان مکاتب فکری به نظریه‌سازی مشغول هستند، در جغرافیا هم، اندیشمندان به نظریه‌پردازی در مورد موضوعاتی که در این حوزه مطرح است، می‌پردازند و با رویکردی خاص به شهر و عناصر داخل شهر نگاه می‌کنند. ساختارگرایان معتقدند که مقولات و معضلات شهری، به‌واسطه اسلوب‌های ساختارمند اجتماعی ساخته می‌شوند و تابع تغییرات اجتماعی و

تجاری شد و شهرها تبدیل به مکان‌های کلیدی برای بخش اقتصادی پیشرو شدند. بنابراین، به محل‌های نوآوری و تولید تبدیل شدند. با نگاهی به شاخص‌هایی که توسط موسسات مختلف و معتبر جهانی برای شناسایی شهرهای جهانی انجام شده است، در می‌یابیم که فعالیت‌های اقتصادی از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار هستند. در واقع، فعالیت‌های اقتصادی در کانون عملکردهای شهرهای جهانی قرار دارند [Sadeghi, 2020].

شهر به بستری برای جدال، مبارزه و رقابت بر سر کسب قدرت تغییر ماهیت داد. این جدال و رقابت در شبکه شهرهای جوامع توسعه‌یافته، با انقلاب صنعتی و در نتیجه گسترش روابط شهر و روستا و قوام و توسعه شبکه شهرها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی-نهادی و فیزیکی، به وقوع پیوسته است؛ حال آنکه در کشورهای در حال توسعه که تحت سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب بوده‌اند یا هنوز نیز هستند، روند عدم تعادل در شبکه شهری در آغاز، در شرایط سلطه اقتصادی و سیاسی یا در عمل با غیبت نسبی و تاثیر بسیار ناچیز توسعه صنعتی و به‌صورت کاملاً ناقص و شتاب‌زده به‌وقوع پیوسته است [Mohammadi, 2019].

در نتیجه، اگر چه، ساختار کلی و سلسله مراتبی مدنظر اندیشمندان جغرافیای سیاسی مبنی بر کشورهای مرکزی و اصلی، نیمه‌پیرامونی و پیرامونی در عصر جهانی‌شدن، حفظ شده است، اما تغییرات اساسی در موقعیت و قرارگیری شهرها در سیستم‌های شهری به‌وجود آمده است. این تغییرات به‌ویژه در زمینه میزان برخورداری شهرها از موقعیت و قدرت در سیستم‌های شهری بسیار قابل توجه است. از نظر شورت، فرآیند جهانی‌شدن موجب تغییر در رتبه‌بندی شهرها و جابه‌جاشدن آنها در درون شبکه شهری جهان شده است [Short, 2017]. حال معتقد است که جهان‌شهر در مقام مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی قرار دارد و هدایت، کنترل رشد و توسعه شهرها از طریق ابزارهای توسعه شهری، انگاشت رقابت‌پذیری است [Bellu et al., 2011]. همچنین، حال توجه خود را معطوف به تاثیرات تغییر از تولید محصولات اقتصادی به فناوری اطلاعات کرده است [Hall, 1995]. بنابراین، تبدیل شدن به شهر جهانی موضوع اصلی رقابت شهرهای جهان شده است. تمام شهرهای بزرگ که هدف آنها طرح‌ریزی استراتژی‌های رونق‌گرای شهری در مقیاس بین‌المللی است، مجاز به رقابت با هدف دستیابی به چنین موقعیتی هستند. سیاست تبدیل‌شدن به شهر جهانی با اشاره به این نظریه حائز اهمیت است که جهانی‌شدن، تکثیر مقیاس‌های سیاسی جغرافیایی و فضا‌مندی‌ها را بسط داده و راه را برای ایجاد محل‌های مرکزی در حال ظهور هموار کرده است. رقابت‌پذیری، ارتباط مستقیم با سرمایه‌های انسانی، بهره‌وری، توزیع اشتغال، سطح رفاه و در نهایت کیفیت زندگی مردم دارد. در واقع، ارتباط بین رقابت‌پذیری و انگاشته‌های بیان‌شده دوسویه است؛ بدین معنا که شهرهای رقابت‌پذیر، سطح بالایی از موارد گفته‌شده را دارند و وجود این مفاهیم نیز به رقابت‌پذیرتر شدن شهرها کمک می‌کند [Mohammadi, 2019]. هاروی، معتقد است که اقتصاد

ارزش‌های موجود در فضای شهر از متن قدرت سیاسی و علایق اجتماعی جدا نیستند و مسائل شهری مستقل از ایدئولوژی و قدرت وجود ندارد. در نظر آنها قدرت، وجهی بنیادین و گریزناپذیر از زندگی اجتماعی و در عین حال همه ابعاد زندگی اجتماعی از آن متاثر می‌شود. در نتیجه، پست‌مدرن‌ها معتقدند که جغرافیای سیاسی شهر به مطالعه روابط قدرت در فضای شهر و تاثیر سیاست بر فضا در زمان معینی می‌پردازند. در واقع، رقابت بین شهری از نظریه مکان مرکزی که بیشتر برای درک روابط بین شهری استفاده می‌شود و به مدل سیستم شهری گسترش می‌یابد، نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، شهرها محل پیوند و سازمان‌یابی فضایی نیروها و فرآیندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بستر محیط جغرافیایی هستند که شکل‌دهنده روابط و جریان‌های مختلف و متنوع انسان و محیط بر اساس چارچوب پارادایمی مسلط بر نظام سیاسی حاکم هستند. در فرآیند تحول‌یابی سازمان فضایی شهرها، عوامل یا نیروهای درونی و بیرونی کل شهر و پیرامون، متقابلاً بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند [Darskhan & Jafari, 2018: 16]. مطالعه حاضر نیز با توجه به گرایش جغرافیدانان سیاسی به شهر در دو حوزه مطالعاتی عمده در رابطه با شهر، یعنی «سیاست و قدرت» تنظیم شده است: جغرافیای سیاسی شهر و ژئوپلیتیک شهر. به‌طور کلی، تا زمانی که وجه غالب مطالعات جغرافیدانان سیاسی به روابط سیاست و فضای شهر برای رفع نیاز شهروندان و رفاه و عدالت اجتماعی و چگونگی مدیریت و حکمرانی محلی ختم شود، دایره مطالعاتی بر جغرافیای سیاسی شهر متمرکز است. ولی زمانی که اعمال سیاست‌ها به افزایش قدرت و رقابت ختم شود، جهت مطالعه به سمت ژئوپلیتیک شهری می‌رود.

شهر و شهرگرایی در جغرافیای سیاسی

بخش اول: دهه ۶۰ تا دهه ۸۰

از دهه ۶۰، جغرافیدانان سیاسی تلاش کردند تا مطالعات خود را بر اساس دیدگاه فضایی انجام دهند. مطالعات کاکس، کوهن، سوچا و غیره یک تغییر مهم در تغییر از دیدگاه ناحیه‌ای به تحلیل فضایی و از تاکید بر صفات مکانی به دغدغه بزرگ‌تر نسبت به الگوهای موقعیت نسبی و کنش فضایی ایجاد کرد [Mirhaydar & Mirahmadi, 2018]. اما از دهه ۷۰، با ظهور دیدگاه رادیکال در مطالعات جغرافیایی به فرآیندهای سیاسی کسب قدرت پرداخته می‌شود.

تکنولوژی‌های جدید، ارتباطات مخابراتی و فناوری اطلاعات منجر به تمرکززدایی و انباشت فعالیت‌های اقتصادی شد. این ترکیب فضایی و یکپارچگی جهانی نقطه عزیمتی است که موجب پیدایش نقش استراتژیک جدیدی برای شهرهای عمده و همچنین گونه جدیدی از شهرها شده است. رویکرد اصلی جغرافیدانان سیاسی در تعریف شهر جهانی با توجه به چرخه مجازی اقتصادی و چهار کارکرد جدید مشخص می‌شود. تقاضا برای کنترل، شهرها را تبدیل به مراکز فرماندهی کرد؛ این امر به آرایه خدمات مربوط به بخش مالی و

امری بدیهی بود. تحلیل و تبیین آثار کوهن و سوچا نشان می‌دهد که هر یک از آنها با استفاده از رویکرد سیستمی، از زاویه‌ای خاص به شهر به‌عنوان سیستم، توجه نشان داده‌اند [Badiee & Hosseini, 2020].

کوهن، انسان را در نقش سیاسی‌اش در جامعه (در تراکنش‌های سیاسی، ساختار سیاسی و ایدئولوژی سیاسی) و ارتباط این نقش سیاسی با زمین (مکان‌ها، مناطق و چشم‌اندازها) و نتیجه این ارتباط یعنی شکل‌گیری سیستم سیاسی نشان دهد. این سیستم سیاسی از نظر کوهن، می‌تواند علاوه بر پایتخت‌ها و مراکز سیاسی و ایکيومنی‌ها، «سرزمین موثر ملی» و «سرزمین موثر منطقه‌ای» باشد. از نظر وی، این نواحی برخوردار از جمعیت متوسط یا منابع قابل قبولی هستند که به دلیل برخورداری از توان توسعه بالا، خروجی‌هایی برای رشد و پراکندگی جمعیت و نیز گسترش اقتصادی هستند. گستردگی آنها نشان از قدرت آتی دارد [Cohen, 2003]. در حالی که سوچا به دو سیستم فضایی و سیاسی شهر توجه نشان داده است. از نظر وی، تحقیقات جغرافیایی مدرن بر تحقیق درباره نظم و ترتیب در سیستم‌های فضایی به‌ویژه «سیستم سیاسی شهر»، متمرکز است. سیستم‌های شهری و عناصرشان را می‌توان در طی زمان برای بررسی خواص دینامیک آنها مطالعه کرد. چنین دیدگاه انقلابی یا توسعه‌گرایی در جغرافیا، از یک سو به‌طور نزدیک با مطالعه «پخش فضایی» ارتباط دارد و از دیگر سو، از تاکید بر مطالعه پیکرشناختی واحدهای جغرافیایی ناشی می‌شود. بنابراین، تاکید بر فرم و فرآیند هر دو می‌تواند در تحلیل‌های مکاتب فضایی وجود داشته باشند [Soja, 1974]. همچنین، کاکس، در کتاب «رویکردهای موقعیتی به قدرت و مناقشه» که در آن بر مناقشات موقعیتی و سیستم‌های سیاسی تمرکز شده است. اشاره کرده است. تحلیلگران مدرن، نسبت به روابط فضایی (فاصله طبیعی، مجاورت، توزیع و سئوالات نظری و تجربی مربوط به مقیاس جغرافیایی) بی‌توجه بوده‌اند. به نظر وی، اگر در گذشته اندیشمندان امور شهری می‌توانستند سیاست را در رویکردی «بدون توجه به فضا» بررسی کنند، اکنون دیگر این امر ممکن نیست. تمرکز بر مناطق شهری و الگوهای فضایی تولیدشده توسط عوامل خارجی (مانند گازهای آلوده ساطع‌شده از دودکش کارخانه‌ها) به‌صورت پایدار رویکرد فعلی را از رویکرد قبلی متمایز و موجب تمرکز بر عامل «فضا» می‌شود. برای چنین تغییر دیدگاهی در جغرافیای سیاسی، تمرکز بر ماهیت و هدف حکومت ضروری است. در این راستا، کاکس در کتاب «مناقشه، قدرت و سیاست در شهر: یک دیدگاه جغرافیایی» به بررسی رابطه «جغرافیا و سیاست شهری» می‌پردازد و مسائلی مانند درگیری‌های نژادی و کاستی ارایه کالاها و خدمات عمومی، مناقشات بین حومه و مرکز شهر و غیره را بررسی می‌کند. از نظر وی، سیاست‌های شهری، جغرافیایی است و جغرافیای سیاسی را بر اساس رویکرد خود یعنی رفاه، به‌عنوان علم بررسی «موقعیت و انتخاب عمومی» در نظر می‌گیرد و تمام تلاش وی این است که جغرافیای سیاسی را با شهر پیوند دهد [Kamran et al., 2018].

سرمایه‌داری، شهری است و تغییرات شهری نشان می‌دهد که نیازهای سرمایه‌داری در حال تغییر است. توسعه شهری نیز محصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری است. در این خصوص سرمایه‌داری دو مدار گردش است: مدار اصلی گردش سرمایه و مدار ثانویه سرمایه. او برای تحلیل توسعه شهری، نوعی از فعالیت اقتصادی منفعت‌طلبانه را مطرح کرد که همان سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات است و مدار ثانویه گردش سرمایه نام دارد [Harver, 1989]. همچنین، از نظر هاروی، حکومت بر پایه تقدم بخش عمومی و با هدف بازتوزیع درآمدهای شهری از طریق ارایه خدمات به شرکت‌ها و خانواده‌ها، سبک حکمرانی مدیریتی و سلسله مراتبی را مشخص می‌کند. از نظر وی، رژیم‌های شهری «ترتیباتی غیررسمی هستند که از طریق بخش‌های عمومی و علایق خصوصی، به‌منظور برخورداری از توانایی ایجاد و اجرای تصمیمات حکمرانی خصوصی با هم عمل می‌کنند». هاروی، ضمن اذعان به اهمیت نقش نظریه‌پردازان رژیم شهری، چهار ویژگی متمایز جریان‌های حکمرانی متغیری را که از فضاهای محلی و همچنین، فرامحلی ناشی می‌شوند معین می‌کند:

- رقابت شدید در سطح بین‌المللی بین شهرها و مناطق مختلف بر سر مزایای رقابتی و صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمیع در بخش صنعتی و تولیدی و افزایش مرتبط فضاهای صنعتی جدید مثل کمربند آفتابی آمریکا، ایتالیای سوم، منطقه شهری ایل‌دوفرانس و بادن‌وورتمبرگ در آلمان؛

- کشمکش بین شهرداری‌ها بر سر بودجه دولتی برای پروژه‌های زیرساختی و رویدادهای مهم؛

- افزایش اهمیت بخش‌های پساتولیدی، مصرف‌محور مثل صنعت گردشگری و رویدادهای فرهنگی از منظر جذب سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی؛

- تشدید رقابت بین شهری بر سر موضوعات مرتبط با ایجاد و بهبود ساختارها و خدمات کاملاً تخصصی مرتبط با کارکرد خاص شهرها (شرکت‌های مالی، حسابداری و حقوقی) [Hosseini, 2018].

به‌طور کلی، پایه مطالعات جغرافیادانان سیاسی در این دوره علاوه بر بحث قدرت و سرمایه‌داری شهری، بر سر تمرکززدایی و حکمرانی شهری برای مدیریت بهتر است. بنابراین، با بهره‌گیری از شرایط جهانی‌شدن، شهرها تمایل شدیدی به بهترشدن و رسیدن به رأس سلسله مراتب شهری پیدا کرده‌اند و حتی بین شهرداری‌ها نوعی رقابت ایجاد شده است. در واقع، در اوایل این دوره، بحث تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های شهری مطرح بود، اما اواخر این دوره، بحث رقابت و قدرتمندی پیش آمد و ژئوپلیتیک شهری پا به عرصه مطالعات گذاشت. تا اواسط دهه ۷۰، جغرافیادانان سیاسی مشارکت‌های با ارزشی در زمینه مطالعه سیاست‌های شهری، بر اساس دیدگاه فضایی کمی انجام دادند و با آغاز دهه ۱۹۷۰ و شدت‌گرفتن فرآیند جهانی‌شدن و تأثیرات گسترده آن بر شهرها، خصوصیات شهرها نیز متحول شد و دیدگاه غالب رادیکالی و پس از آن مارکسیستی شد. در این دوره، توجه به شهر به مثابه سیستم،

ماهر [Kony & Yeho, 2003]

در واقع، تبلیغ مکان شامل آفریدن تصویر مثبت برای شهرهاست تا سرمایه‌گذاری را جذب کنند. این‌ها شامل فرهنگ شهر و ظرفیت آن فرهنگ در جنبه‌های جذب گردشگر و همچنین منابع مکانی شهر همچون مالیات، قوانین «حق کار» و موقعیت جغرافیایی مطلوب در روابط بازرگانی است [Harver, 1989].

جهان‌شهرها فرهنگ را فقط مدیریت نمی‌کنند؛ آن را تولید و بازتولید نیز می‌کنند. شهرهایی هستند که فرهنگی جهانی تولید می‌کنند. در نتیجه، تا اواسط این دوره، جامعه‌شناسی شهری علاوه بر اقتصاد و سیاست، تحت سلطه دیدگاه فرهنگ‌گرا بود، اما از این زمان به بعد با انتقاداتی مواجه شد. اواخر این دوران، اوج رواج آثار اقتصاد سیاسی بود. دغدغه اصلی اقتصاد سیاسی، مساله توسعه‌نیافتگی بود و این دیدگاه علت اصلی آن را در روابط ساختاری می‌دانست. به همین دلیل کوشید تا جامعه‌شناسی شهری را به اقتصاد بین‌الملل ربط دهد. از دیدگاه اقتصاددانان سیاسی، شهر محصول روابط سیاسی و اقتصادی است و در نتیجه نمی‌تواند متغیر تبیین‌کننده باشد، بلکه متغیر وابسته است. به بیان دیگر، فرآیند تخصیص این منابع جزو کار ویژه اصلی قدرت سیاسی حاکم است و اقتصاد سیاسی شهر نیز از طریق این کار ویژه سامان می‌یابد. در این راستا، حتی ادراک محیطی و جغرافیای ذهنی تصمیم‌گیران سیاسی که ناشی از پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی آنها است نیز در اولویت‌گذاری تخصیص منابع در سکونتگاه‌های شهری تاثیرگذار است. تصمیم‌گیران سیاسی در شهر به دنبال رابطه دوستانه و هدفمندی که برای تبادل اطلاعات و تجربیات و توسعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شهری و سیاسی با جامعه شهری مشابه خارجی برقرار می‌شود، می‌روند. شهرهای دوقلو، شهرهای خواهرخوانده و حتی شهرهای برادرخوانده عناوینی هستند که شهرهای جهان را به یکدیگر پیوند می‌دهند. بدین ترتیب، حرکتی جهانی برای این موضوع ایجاد شد. جغرافیدانان سیاسی در اروپا این پیوند را ایجاد شهرهای دوقلو می‌نامند، در حالی که در آمریکا پیوند خواهرخواندگی بین شهرها بسته می‌شود و شوروی سابق از این پیوندها با عنوان برادرخواندگی نام می‌برد [Ahmadipour et al., 2012]. این شهرها در سطح بین‌المللی فعال هستند. آنها شبکه‌ها، پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی زیادی را برای توسعه به اشتراک می‌گذارند. انتقال اطلاعات، امضای توافق‌نامه‌های همکاری، در تهیه پیش‌نویس ملی و سیاست‌های بین‌المللی، ارایه کمک‌های توسعه، تصویب کمک به پناهندگان و موارد دیگر از این طریق، همه همکاری‌های است که به‌طور غیرمتمرکز از شهر به شهر یا از منطقه به منطقه دیگر در میان شهرهای خواهرخوانده در جریان است [Marchetti, 2017]. دیپلماسی شهری، به عملکرد مدیریت‌های شهری برای کنترل کشمکش‌ها و تقویت همکاری‌های جهانی بین شهری و دستیابی به منافع و علایق شهری و شهروندی مشترک با هدف برقراری و ایجاد یک زیست شهری پایدار همراه انسجام

چرا که، نقش شهر و به‌ویژه شهرهای جهانی به‌عنوان بازیگران عرصه محلی تا جهانی، در تولید سیستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حائز اهمیت زیادی است. برخی از شهرها به مرکزیت در سطح جهانی دست یافته‌اند. آنها فراتر از نقش تاریخی به‌عنوان مراکز تجارت و بانکداری بین‌المللی، مرکزیت یافته‌اند [Sassen, 2001]. ساسن و همکاران، ۶۳ شهرهای کوچک و بزرگ جهان را در سال ۲۰۰۷ مورد بررسی و رتبه‌بندی قرار دادند [Sassen, 2007]. در این رتبه‌بندی از داده‌هایی در رابطه با ۱۰۰ معیار مختلف در زمینه‌هایی شامل چارچوب سیاسی و قانونی، ثبات اقتصادی، سهولت کسب‌وکار، جریان سرمایه، مرکزیت تجاری و تولید دانش و جریان اطلاعات استفاده شد. وی، به دو جریان توجه می‌کند: جهان‌شهر به مثابه مرکز فرماندهی و جهان‌شهر به منزله شهر قطبی‌شده؛ از این رو، معتقد است که امروزه شهری را می‌توان جهانی تعریف کرد که به‌عنوان پایگاه تولید اقتصاد اطلاعاتی در فضای جریان‌ها نقشی را برعهده بگیرد [Sassen, 2006]. همچنین، شورت، معتقد است که سه عنصر در قدرت اقتصادی اهمیت دارد: بازار بورس سهام، دفاتر مرکزی شرکت‌های مهم و دفاتر ریاست بانک‌های مهم. رنه شورت، در کتاب «کلان‌شهرهای جهانی»، روندهای داده‌ها را با دیدگاه فضایی در طول زمان بررسی می‌کند تا به برداشتی از مسیر دگرگونی دست یابد [Short, 2017].

بخش دوم: از دهه ۸۰ به بعد

در این برهه از زمان، کوین کاکس طی دهه ۱۹۸۰، تحقیقات خود در رابطه با جغرافیای سیاسی شهری را توسعه داد و به‌ویژه بر سیاست شهرنشینی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و سیاست‌های توسعه محلی ناحیه‌ای با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی متمرکز شد. وی معتقد است که تمام تعاملات اجتماعی، تعاملات فضایی هستند و زندگی اجتماعی وابسته به ایجاد ساختارهای فضایی مناسب است [Cox, 1984] و نظریه «انتخاب عمومی» را یک پارادایم مهم برای مطالعه اقتصاد سیاسی محلی و تبیین تسهیلات و کالاهای عمومی می‌داند [Cox & Nartowicz, 1980]. علاوه بر این، در این دوره توجه به نقش فرهنگ در جهت‌گیری شهر به‌سوی قدرت بسیار مهم است. در واقع، سرشت شناور سلسله مراتب جهان‌شهرها فضای کافی برای جبران سرمایه‌سازی فرهنگ را در اختیار شهرها می‌گذارد. مثلاً، همین که مسابقه جهانی آغاز شود، مبالغ سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. چون دوره‌های متوالی سرمایه‌گذاری فرهنگی در نهایت دوره‌های بالاتری را هماهنگ با افزایش رقابت تولید می‌کند. برخی معتقدند که به دلایل زیر رابطه فرهنگ و فضای شهر می‌تواند در خور توجه باشد:

- صنایع فرهنگی، شغل و درآمد تولید می‌کنند؛
- صنایع فرهنگی، برای تحقق موفقیت درازمدت اقتصادی شهر در اقتصاد جهانی امری ضروری است؛
- ارزش فرهنگی به منزله وجه مشخص جهان‌شهر قرار می‌گیرد؛
- سرمایه فرهنگی در رقابت‌جویی برای جذب سرمایه، گردشگر و کارگر

عدم تمرکز اقتصادی مورد تشویق قرار می‌گیرد [Moghipi, 2015].

سازمان‌شکنی گروهی از مردم مربوط به نامتجانس بودن بیش از اندازه محلات و مناطق داخلی شهرها است. معمولاً پایتخت‌ها و کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه به دلیل هجوم انواع مهاجرت‌هاف بافت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کاملاً نامتجانسی دارند که این امر زمینه‌ساز بروز بسیاری از انواع جرایم شهری است. به‌طور کلی، در ژئوپلیتیک شهری، ارتکاب به انواع جرایم، منشأ اقتصادی-اجتماعی و حتی سیاسی دارد. افراد در هنگام درگیری‌های شهری و اعتراضات گسترده خیابانی، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ بدون اینکه یکدیگر را بشناسند؛ چرا که به گروه معینی تعلق دارند. این جریان نه‌تنها در کشورهای جهانی سوم، بلکه در شهرهای کشورهای غربی نیز عمومیت دارد و شاید تنها معدودی از شهرها باشند که در جهان امروز از این قبیل خشونت‌ها دور باشند. آشوب‌های شهر، یکی از وجوه مهم در مطالعات مرتبط با ژئوپلیتیک شهری این برهه از زمان است؛ ناآرامی‌هایی که با هدف اعتراض یا شورش علیه شخص یا گروه، وضعیت یا علیه حاکمیت شهری یا ملی صورت می‌گیرد [Purcell, 2003].

امروزه توسعه شهری در شهرها توسط بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌هایی صرف نظر از توجه به حقوق مالکان و ساکنان آن محدوده شکل می‌گیرد. توسعه مرزهای خدمات‌رسانی توسط شهرداری‌ها در این‌گونه شهرها بیش از آن که ناشی از فاکتورهای اداری و خدمات‌رسان باشد، بیشتر متأثر از توصیه‌ها و توجهات سیاسی و امنیتی است. بنابراین، رشد شهری ورای مرزها بازتاب شکل آینده شهر و خواست عموم مردم نیست، بلکه بازتاب کشمکش قدرت و امنیت و کنترل منابع انسانی و طبیعی آن است. در واقع، وابستگی قوی میان محدوده‌های ممنوعه شهری با تراکم توسعه در شهر وجود دارد. پس از ظهور فعالیت‌های نظامی، رشد تراکم‌های ساختمانی و جمعیتی از سوی دولت در کنار شهر شروع و تا امروز نیز تداوم یافته است [Khalilabadi, 2011]. به‌طور کلی، شهرها علاوه بر اینکه عرصه سیاست‌گذاری هستند، حاصل فرآیند پیچیده سیاست‌گذاری و سیاست‌های حاکم بر برنامه‌ریزی شهر در طول زمان هستند. اندیشه غالب این دوره مبتنی بر این است که؛ ساختار و شکل شهر، سازمان سیاسی و سیاست‌گذاری‌های فضایی دارای ارتباط متقابل با هم هستند. بنابراین، درک شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی به‌طور هم‌زمان در تدوین و اجرای سیاست در حوزه‌های مختلف سیستم سیاسی-فضایی شهر برای افزایش وزن ژئوپلیتیکی و قرارگرفتن در رأس سلسله مراتب شهری جهان به‌عنوان یک شاخص اساسی مطرح می‌شود. به‌طور کلی، در دوره‌های زمانی مختلف دیدگاه‌های فکری و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (متن ژئوپلیتیکی) در شکل‌گیری نظرات جغرافی‌دانان سیاسی تأثیر قرار مستقیم گذاشته است. در جدول ۱ می‌توان خلاصه نقطه تمرکز مطالعات جغرافی‌دانان سیاسی پیرامون شهر را مشاهده کرد.

فرهنگی و اجتماعی گفته می‌شود. دیپلماسی شهری به شکل گسترده‌ای به معنای دخالت دولت محلی به‌منظور برقراری صلح نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر تیلور، کلیدی‌ترین تصمیمات، در جاهایی گرفته می‌شوند که قدرت تمرکز دارد (در مقیاس ملی)، اما این تصمیمات در مقیاس محلی (شهری)، تجربه می‌شوند و در نهایت به ساختارهای متغیر اقتصاد جهانی راه می‌یابند [Taylor, 2008].

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، نظام‌های شهری جایی است که به نفع نمایندگان محلی رأی می‌دهیم، به تغییرات محلی اعتراض کرده و سیاست عملی خود را طراحی می‌کنیم و با دولت محلی مواجه می‌شویم. در این اقدامات سیاسی، محیط‌های روزانه چیزی بیشتر از جایگاه‌هایی هستند که سیاست در آنها پدیدار می‌شود. این بدان معناست که جغرافیا در جغرافیای سیاسی محلی (یا شهری)، به هیچ وجه ساکن و بی‌اثر نیست [Zaki & Valigholizadeh, 2015]. تیلور، معتقد است که جغرافیای سیاسی مدرن شهری که با مناقشات در شهر و اینکه موضوع «چه کسی چه چیزی را کجا به‌دست می‌آورد» ارتباط دارد. جاذبه اصلی مطالعات شهری تیلور این است که امور شهری را به‌طور قطع درون توسعه جاری سرمایه‌داری جهانی قرار می‌دهد. وی، در مقیاس عمومی شناخته‌شده یعنی «شهر» را برای تولید سازمانی فضایی به‌عنوان اصل اساسی قرار می‌دهد و معتقد است که سه مقیاس جهانی، ملی و شهری مقیاس‌های مهمی هستند که لایه وسط یعنی مقیاس ایدئولوژی، تجربه روزانه انسان‌ها را در زندگی شهری از انباشت سرمایه در مقیاس جهانی، جدا می‌کند. مقیاس تجربه همان مقیاس محلی (شهر و روستا) است. تیلور، نظریه نظام‌های جهانی *والر/شتاین* را در مقیاس‌های جغرافیایی جهانی، ملی و محلی پیاده کرده و نظام‌های شهری را به‌عنوان محل‌هایی تعریف می‌کند که زندگی روزانه انسان‌ها در آن سپری می‌شود [Mirhaydar & Mirahmadi, 2018]. وی بیان کرد که اکثر علوم اجتماعی مدرن، «شهرمحور» شده‌اند و جغرافیای سیاسی از این موضوع نباید غفلت کند [Taylor, 1982].

از دهه ۱۹۹۰، همواره نیروهای گفتمانی و مادی جهانی‌شدن در مسیر تکامل کارآفرین‌گرایی شهری و مسیر توسعه اقتصادی و بازساخت اجتماعی-فضایی، از نفوذ فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند. به همین ترتیب، نخبگان سیاسی-اقتصادی در سراسر جهان خواستار پیوند فضاهای محلی شهری با روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عرصه جهانی هستند. در همین ارتباط، به‌تدریج تمایل محلی-محور تحقیقاتی در دهه ۱۹۸۰، نسبت به ماشین‌ها و رژیم‌های رشد شهری که از نفوذ نیروهای خارجی و فعل و انفعالات روزافزون فضا‌مندی‌های جهانی و محلی غافل می‌شد، با رجوع به نوعی موضع‌گیری نسبت به فرآیندهای حکمرانی شهری مبتنی بر خط مشی محلی جهانی‌شدن کنار گذاشته شد. زیرا، در چنین دیدگاهی، گرایش‌های تمرکززدایی در برنامه‌ریزی توسعه مردود شمرده می‌شود و

سهم نویسندگان: حسن کامران دستجردی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله / پژوهشگر اصلی (۱۰۰٪)
منابع مالی: توسط نویسنده تامین شده است.

منابع

- Agnew J (2002). Making political geography. London: Hodder Education Publishers.
- Ahmadipour Z, Ghorchi M, Ghaderi Hajat M (2012). Explaining the position of urban development in the development of geopolitical spheres of influence. Journal of Urban Geography and Urban Development. 1(1):157. [Persian]
- Badiee Azandehie M, Hosseini N (2020). A systemic approach to the city, as a political-spatial system from Kuhn and Sojan's point of view. International Quarterly of Geopolitics. 16(58):157-186. [Persian]
- Bellu LG, Cistulli V, Marta S, Timpano F (2011). Assessing regional competitiveness: Analysis of stock indicators and flows variables. 51st Congress of the European Regional Science Association: "New Challenges for European Regions and Urban Areas in a Globalised World", 30 August - 3 September 2011, Barcelona, Spain, European Regional Science Association (ERSA), Louvain-la-Neuve.1-21.
- Cohen SB (2003). Geopolitics of the world system. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Cox KR (1984). Neighborhood conflict and urban social movements: Questions of historicity, class, and social change. Urban Geography. 5(4):343-355.
- Cox KR, Nartowicz FZ (1980). Jurisdictional fragmentation in the American metropolis: alternative perspectives. International Journal of Urban and Regional Research. 4(2):196-211.
- Darskhan R, Jafari Paybandi SMH (2018). Analysis of the effects of Islamic political economy on sustainable urban development (case: Zanjan city). Journal of Urban Economics and Management. 6(1):15-31. [Persian]
- Dalby S (2008). Imperialism, domination, culture: The continued relevance of critical geopolitics. Geopolitics. 13(3):413-436.
- Flint C (2017). Introduction to geopolitics. London: Rutledge.
- Hall P (1995). Toward a general urban theory. Unknown translator. Tehran: Tehran Municipality Studies Center Publications. [Persian]
- Harvey D, Potter S (2013). The right to be in a justice-driven city, a collection of articles in search of a justice-driven city. Tehran: Tehran Municipality Studies Center Publications.
- Hosseini N (2018). Explanation of city's phenomenon in geopolitics and political geography [Dissertation]. Tehran: University of Tehran.
- Kamran Dastjerdi H, Badiei M, Zaki Y, Ahmadi A, Hossayni Nasrabadi N (2018). Study of the city in geopolitics and political geography with emphasis on Gutman & Cox Theory. Geography. 16(56):192-207. [Persian]
- Kazemi AA (2001). Globalization of Culture and Politics (a critical and epistemological analysis). Tehran: Qoms Publications. [Persian]
- Khalilabadi H (2011). Urban geopolitics. Tehran: Sharif Innovators Research. [Persian]
- Kony L, Yeho, B (2003). The politics of Landscape in Singapore. Syracuse: Syracuse University Press.

اندیشه غالب	شهر، قدرت و رقابت
مقیاس تحلیل	فرولمی، جهانی
مکتب رایج	ساختارگرایی
رویکرد	اکولوژیکی و رفتاری
دیدگاه	انسان گرایی
هدف	تطبیق‌دادن جغرافیای سیاسی با روندهای جاری در جغرافیای انسانی و سایر رشته

نتیجه‌گیری

شهرها، دارای جغرافیای سیاسی مخصوص به خود هستند. در واقع، شهر مجموعه‌ای در هم تنیده از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در ارتباط با امر سیاست و قدرت است. در این راستا، «جغرافیای سیاسی شهر» یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی است که ارتباط سه مفهوم سیاست، شهر و جغرافیا را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، به بررسی سیاسی شهر در بستر فضا می‌پردازد. شهرها عرصه سیاست‌گذاری هستند و هیچ شهری به خودی خود اداره نمی‌شود و توسعه نمی‌یابد؛ یعنی اینکه شهرها حاصل فرآیند پیچیده سیاست‌گذاری و سیاست‌های حاکم بر برنامه‌ریزی شهر در طول زمان هستند. جغرافیدانان سیاسی برای مطالعه شهر به این امر توجه می‌کنند که شهر در نظام سیاسی خاص چگونه اداره می‌شود. بنابراین، جغرافیای سیاسی شهر، به بررسی و مطالعه سازماندهی سیاسی شهر می‌پردازد و درصدد است که راه‌های ایجاد شهری توسعه‌مدار را از مسیر جغرافیای سیاسی پیدا کند. در این راستا، جغرافیدانان سیاسی بیش از هر چیز بر بعد سیاسی فضای شهری تمرکز کرده‌اند. با توجه به اهمیت شهر به‌عنوان پدیده فضایی-سیاسی، این نتیجه قابل درک است که توجه به روابط متقابل سیاست و فضای شهر، در توسعه جغرافیای سیاسی و گسترش مطالعات جغرافیدانان سیاسی حایز اهمیت بسیاری است. از نظر جغرافیدانان سیاسی، شهر و شهروند، به مثابه بازیگران اصلی تغییر دامنه قدرت و قلمرو حکمرانی کشورها در جهان هستند. در واقع، کشورهای توسعه‌یافته همان میزبانان شهرهای جهانی هستند. امروزه کلیدی‌ترین تصمیمات در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در مقیاس شهری، گرفته می‌شوند؛ یعنی جایی که قدرت تمرکز دارد و در نهایت به ساختارهای متغیر در اقتصاد و سیاست جهانی راه می‌یابند. در واقع، مطالعات شهری، از شرایط فیزیکی حاکم بر شهرها دور شده و به جای آن، همه پدیده‌های شهری در ارتباط با ایدئولوژی اهداف نظام‌های حکومتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی را مطالعه می‌کند؛ زیرا محیط ساخته‌شده شهری و ساخت فضایی، از سیاست نظام‌های حکومتی نشأت می‌گیرد و گروه‌های انسانی و فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی آنها را در نقاط معین شهری جای می‌دهد.

تشکر و قدردانی: موردی ذکر نشده است.

تاییدیه اخلاقی: مقاله در راستای قوانین مجله نوشته شده است.

تعارض منافع: موردی وجود ندارد.

- Geopolitical. 16(1):110-137. [Persian].
- Sassen S (2001). Global cities and developmentalist states: How to derail what could be an interesting debate: A response to Hill and Kim. *Urban Studies*. 38(13):2537-2540.
- Sassen S (2006). *Cities in a world economy*. Thousand Oaks: SAGE publications.
- Sassen S (2007). *A sociology of globalization*. New York: WW Norton & Co.
- Soja EW (1974). A paradigm for the geographical analysis of political systems. In: Cox KR, Reynolds DR, Rokkan S. *Locational approaches to power and conflict*. New York: John Wiley & Son.
- Short JR (2017). *Metropolitan World*. Davoodi M, translator. Unknown city: Papoli Publications.
- Taylor PJ (1982). A Materialist framework for political geography. *Transaction of the institute of British Geographers*. 7(1):15-34.
- Taylor PJ (2008). *The geography of uneven development*. London: SAGE Publication.
- Veicy H (2015). *Concepts and theories of political geography*. Tehran: SAMAT. [Persian]
- Vasegh M, Hosseini NS, Jafari M (2016). Political geography as an experimental science. *Human Geography Research Quarterly*. 48(2):389-405. [Persian]
- Zaki Y, Valigholizadeh A (2015). *Space scales in political geography*. Tehran: Tehran University. [Persian]
- Malinofski B (2000). *Scientific theory of culture*. Zarrin Ghalam A, translator. Tehran: New Step. [Persian]
- Marchetti R (2017). City Diplomacy, how do you analyze the present status of city diplomacy. *Urban Geography Research*. 1(15).
- Mohammadi M, Shahivandi A, Moradi Chadgani D, Rastghalam N (2019). Assessing the impact of competitiveness on urban network transformation using social network analysis (case: Isfahan city-region). *Journal of Urban Economics and Management*. 7(25):1-15. [Persian].
- Moghimi SM (2015). *Local government administration: The councils and municipalities management*. Tehran: SAMT. [Persian]
- Mirhaydar D, Mirahmadi F (2018). *Evolution of ideas in political geography*. Tehran: Tehran University Press. [Persian]
- Parhiezgar A, Ismaelzadeh H (2005). A systemic approach to geography and urban planning. *Journal of the Development of Geography Education*. 71:40-48. [Persian]
- Purcell M (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*. 27(3):564-590.
- Sadeghi M, Rabiee H, Ghorchi M, Abdi A (2020). Explaining the role of capitalist economics and stream space in the emergence and role of global cities.